

تأثیر میزان دین‌داری والدین در دین‌پذیری فرزندان

خانواده بر اساس جایگاهی که دارد، بیشترین تأثیر را بر فرزند در امور مختلف دارد؛ والدین احساس می‌کنند فرزندان هنگام ورود به سیستم آموزشی (دبستان و غیره) تحت تعلیم قرار می‌گیرند و شخصیت ایشان ساخته می‌شود، اما غافل از آنکه اکثر تأثیرپذیری فرزندان در همان سال‌های اولیه و قبل از ورود به سیستم همگانی آموزش و تعلیم است.

نویسنده: وهاب آریان (عطّاش)

چکیده

خانواده بر اساس جایگاهی که دارد، بیشترین تأثیر را بر فرزند در امور مختلف دارد؛ والدین احساس می‌کنند فرزندان هنگام ورود به سیستم آموزشی (دبستان و غیره) تحت تعلیم قرار می‌گیرند و شخصیت ایشان ساخته می‌شود، اما غافل از آنکه اکثر تأثیرپذیری فرزندان در همان سال‌های اولیه و قبل از ورود به سیستم همگانی آموزش و تعلیم است. در واقع فرزند قبل از رسیدن به شش‌سالگی شاکله شخصیتی‌اش شکل می‌گیرد و اساس آنچه را در دوران بعد کودکی قرار است، بارور کند، در همین سال‌های قبل از شش‌سالگی فراگرفته است. یکی از فاکتورهای شخصیت، شخصیت دینی است. از آنجایی که تمام عالم پیرامونی فرزند را، عموماً والدین و افراد نزدیک به ایشان شکل می‌دهند، تأثیر پذیرفتن ایشان از والدین از لحاظ فرهنگ دینی به مراتب گسترده‌تر از دیگران است. عموماً اگر والدین افراد متدین و مذهبی باشند ناخودآگاه فرزند به سمت دین کشیده می‌شود و از همان کودکی دین آشنا می‌شود؛ البته این امر عمومیت نداشته، ولی از تأثیرگذاری آن نمی‌توان غافل ماند. در این مقاله به دنبال آن هستیم تا نشان دهیم میزان دین‌داری والدین تأثیر بسیار زیادی بر دین‌پذیری فرزندان دارد و در آخر چند راهکار پیشنهاد کنیم که چگونه والدین می‌توانند فرزندان را دین‌دار تربیت کنند.

واژگان کلیدی: والدین، دین‌داری، فرهنگ دینی، تأثیر مادر، تربیت فرزند.

بی‌شک بیشترین تأثیر بر فرزند در تربیت ایشان را والدین و به‌طریق‌اولی مادر بر عهده دارد، از همین رو تأثیر میزان دین‌داری والدین بر فرزندان از میزان بالایی برخوردار است. در واقع همواره تربیت و اداره فرزندان برای نسل آدمی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های دیرین و نیز از مهم‌ترین شاخص‌های تربیتی آدمی در طول تاریخ بوده است؛ ناگفته نماند تربیت و تعلیم و اداره فرزندان جزء ویژگی‌های فطری و نهادی انسان‌ها بوده و هست و بدین معنی نیست که هر قدر هم خانواده و جامعه‌ای دین‌دار نباشد و به باورهای دینی نرسیده حتماً به تربیت فرزندان و بچه‌ها هم اقدام نمی‌کند. نقش شگفت‌انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسان بر هیچ خردمندی پوشیده نیست، شکوفایی استعدادها و ارزش‌های والا بر تعلیم و تربیت مبتنی است و انسان شدن انسان و وصولش به کمال نهایی، همه مرهون تعلیم و تربیت صحیح است (کاردان ۱۳۷۲: ۱۴۵)؛ شرح مسئله اینکه آیا باورهای دینی و اعتقاد به خدا و پیامبر و وحی و رسالت و مبانی اعتقادی، مثل نماز و روزه و فروع دین در تربیت و آموزش فرزندان تأثیر دارد؟

فرض در این تحقیق این است که تربیت دینی در رشد و تعالی فرزندان مؤثر است؛ و خانواده‌هایی که گرایش و توجه دینی دارند و خانواده‌هایی که به ارزش‌های دینی و اعتقادی پایبند هستند، در پرورش و تربیت فرزندان موفق بوده و از نظر گرایش فرزندان آنها به گناه، اعتیاد، بزهکاری و اختلالات دیگر، درصد کمتری نسبت به سایر خانواده‌ها به‌ویژه خانواده‌هایی که گرایش کمتری به دین و دین‌داری دارند نشان می‌دهد. هدف تعلیم و تربیت در فرهنگ اسلامی، شکوفایی تام و تمام استعدادها و خلاقیت‌ها در جهت رشد شخصیت و تجلی عزت‌نفس در راه رسیدن به کمال و تبدیل شدن به انسان کامل دانسته شده است (فرهادیان، ۱۳۷۶: ۱۱۴).

۱. معناشناسی دین و دین‌داری

دین و دین‌داری به مفهوم ایمان و اعتقاد قلبی به خدا، عوالم غیبی، وجود روح و تسلیم در برابر اوامر، مشیت الهی و قدرت بزرگ و ازلی که قاهر و قادر به جهان محسوس و عوالم دیگر است. دین‌داری در خانواده و تربیت فرزندان و آموزش و تربیت مفاهیم زندگی و حتی رشد و بالندگی آنها و پذیرش مواضع و

تعالیم آسمانی در لحظه لحظه زندگی جسمانی و روحانی آنچنان است که به قول سعدی هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات و چون بر می‌آید، مفرح ذات و در نعمت نفس کشیدن دو شکر واجب است.

در یک تعریف کلی تربیت را فراهم آوردن زمینه برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به فعلیت رساندن امکانات بالقوه در درون او دانسته‌اند (سادات ۱۳۶۵: ۱۰۸)؛ این تعریف با بیانی که آموزش و پرورش از تربیت دارد، همخوان است. در آنجا نیز تربیت معادل بارور ساختن کلیه استعدادها و به فعلیت رساندن آنها دانسته شده است (شعاری‌نژاد ۱۳۶۵: ۲۳۰)؛ در واقع تعلیم و تربیت چه از نوع کلاسیک و چه از نوع سنتی در همه‌ی بخش‌های زندگی در مورد کودکان و فرزندان کاملاً تأثیر دارد. اگر نام‌گذاری فرزندان، رشد و تعالی آنان، کار کردن، آداب رفتاری و اجتماعی آنان و قوای درونی و بیرونی فرزندان را در ارتباط با مردم تحلیل کنیم و اگر لحظه‌لحظه افکار و اندیشه‌ها و پندارهای آنان را تصور کنیم، آموزه‌ها و دستورات دینی و آسمانی در آنها تأثیر دارد؛ هرچند ممکن است گاهی این تأثیرات منفی و زیان‌بار باشد؛ و گاهی باورهای اعتقادی با عنوان و نیت تکامل و سازندگی باعث ایجاد اختلال و بدآموزی و بدبختی‌ها در افراد و فرزندان شود؛ ولی به‌طور کلی در بررسی کلی و اجتماعی، آموزه‌ها و باورهای دینی و دین‌داری در تربیت و آموزش فرزندان اثرات مثبت و سازنده دارند؛ در این تحقیق سعی شده به موارد گوناگون آن اشاره شود؛ رفتار دینی که در قالب شعائر است یکی از پیچیده‌ترین رفتارهای انسانی است که تا مدت‌ها مورد توجه جدی دانشمندان علوم انسانی قرار نمی‌گرفت؛ البته به نظر می‌رسد که این رویکرد در حال تغییر است (شاکری‌نیا، ۱۳۷۹: ۷۸).

رابطه دین‌داری و تقلیل خطا

نتایج تحقیقات مختلف اغلب نشان می‌دهند که دین‌داری، کاهش خشونت را در پی دارد؛ به‌عنوان مثال در پژوهشی که بر روی زندانیان زندان قم صورت گرفته، دین‌داری نه‌تنها عاملی کاهش‌دهنده در خشونت زندانیان که به‌عنوان نوعی روان‌درمانی مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش، میزان اثرگذاری نوعی درمان دینی - روان‌شناختی به نام «درمان یکپارچه توحیدی» بر کاهش رفتارهای بزهکارانه و پرخاشگرانه آنها بررسی شده است. «درمان یکپارچه توحیدی»، درمانی مبتنی بر آموزش مهارت‌های زندگی بر پایه

آموزه‌های اسلامی و با تکیه بر تعمیق رابطه با خداوند یکتا است. نتایج این پژوهش کاهش ۹۰ درصدی رفتارهای مجرمانه را در گروهی که این درمان را دریافت کرده‌اند، نشان می‌دهد (شریفی نیا، ۱۳۸۷: ۳۴).

در پژوهشی دیگر در شهر یزد، «رابطه بین دین‌داری والدین با خشونت فرزندان پسر دبیرستانی» بررسی شده است. یافته‌های این تحقیق نیز نشان می‌دهد که هر چه میزان دین‌داری والدین بالا برود، خشونت فرزندان کاهش می‌یابد. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که دین‌داری پدر بیش از مادر سبب کاهش خشونت فرزندان پسر می‌شود (پارسامهر ۱۳۹۰: ۸۷).

در شهر اهواز نیز مطالعه‌ای مشابه صورت گرفته که اثر دین‌داری والدین را بر میزان خشونت آنان نسبت به فرزندان سنجیده است. در این پژوهش بُعد پیامدی و مناسکی از بُعد عاطفی و اعتقادی دین‌داری تفکیک شده است؛ به این معنا که بعد پیامدی و مناسکی به میزان پایبندی والدین به انجام مناسک دینی، مانند نماز جماعت و دیگر مناسک به‌ویژه مناسک جمعی دینی تعبیر شده و بعد اعتقادی ناظر به اعتقاد به خداوند، روز قیامت، حقانیت پیامبر، قرآن و بعد عاطفی شامل حس معنویت و ترس از خدا و روز قیامت است. یافته‌های این پژوهش گویای آن است که دین‌داری والدین به‌طور کلی سبب کاهش اعمال خشونت نسبت به فرزندان می‌شود. در تفکیک ابعاد دین نیز بعد اعتقادی بیشترین تأثیر را در کاهش خشونت داشته، درحالی‌که میان بعد مناسکی و خشونت نسبت به فرزندان رابطه معناداری وجود نداشته است. نتایج بسیاری از پژوهش‌های مشابه نیز مؤید همین معنا، یعنی تأثیر مثبت دین بر سلامت روان و تأثیر منفی آن بر اعمال خشونت است (یعقوبی ۱۳۹۲: ۱۴).

تربیت بر اساس دین

تربیت دینی مجموعه از اقدامات، تلاش‌ها و زمینه‌سازی‌ها برای ایجاد دگرگونی در فکر و عمل است که منطبق با آن فکر و عمل دارای جنبه‌های موضع‌گیر بر اساس آن باشند. دین‌داری ایمان یک ضرورت است از آن بابت اینکه ایمان ستونی است که ما را در طوفان‌ها از افتادن و مغلوب شدن نگاه می‌دارد. کسی که

مذهب ندارد، همچون غربی است که در تلاطم دریای شک و تردید و بی تکلیفی دست‌وپا می‌زند. انسان به شکلی آفریده شده که سعی می‌کند، ایده‌های خود را به همه افراد بشری گسترش دهد. نوع بشر چه در زمینه‌های دینی و چه در زمینه‌های غیردینی همواره سعی در جهانی کردن دیدگاه‌های خود داشته است، چراکه فکر می‌کند به نوعی با تبیین دیدگاه دینی و یا غیردینی خود و گسترش آن به همه جوامع بشری به آرمان‌شهر خود خواهد رسید. پیامبران از جمله کسانی بوده‌اند که با توسل به آیات الهی و برنامه‌های الهی به آرمان‌شهر توجه داشته‌اند. در طول تاریخ تعدادی از پیامبران همواره سعی در هدایت انسان به سوی زندگی بهتر و ایدئال داشته‌اند و در بعضی موارد با تشکیل حکومت‌هایی به صورت آرمانی سعی در ارائه نمونه‌های عینی از چنین جامعه‌هایی را داشته‌اند. درباره خانواده، (شناخت حقوق)، یک گام و (ادای حقوق)، گامی دیگر است. قرآن کریم، از یک سو از ویژگی‌های بندگان شایسته خدای رحمان، این را می‌داند که از خداوند درخواست خانواده و فرزندان دارند که مایه نور چشم و عزت و آبرو و سربلندی است؛ بنا هب لنا من ازواجنا وذریاتنا قره اعین و از سوی دیگر، توصیه قرآن به اهل ایمان آن است که خود و خانواده خود را از آتش سوزان دوزخ حفظ و نگه‌داری کنند؛ یا ایها الذین امنوا، قوا انفسکم واهلیکم ناراً و قودها الناس و الحجاره (سامانی ۱۳۸۹: ۵).

۲. انواع خانواده و تربیت دینی

خانواده‌ها را از نظر ساختار و نوع روابط درونی بین اعضا به چند نوع تقسیم کرده‌اند؛ مثلاً جامعه‌شناسان از خانواده‌های گسترده و هسته‌ای نام می‌برند یا روان‌شناسان نیز از خانواده‌های با اقتدار، قدرت‌طلب و سهل‌انگار یاد می‌کنند. نوع دیگر طبقه‌بندی زمانی است که ملاک طبقه‌بندی مباحث اعتقادی و دینی است. در این زمان از خانواده‌های مذهبی، خانواده‌های بی‌مذهب و خانواده‌های ضد‌مذهب نام برده می‌شود (رحمان‌دوست، ۱۳۷۱: ۴۵). خانواده‌های بی‌مذهب و ضد‌مذهب خانواده‌هایی هستند که یا نسبت به تربیت مذهبی فرزندان غافل و بی‌اعتنا هستند و یا حتی نسبت به این نوع تربیت نگرش منفی دارند؛ بنابراین به ارتقای افکار و اعتقادات دینی فرزندان خود با آموزش‌های دینی نیازی نمی‌بینند.

از سویی دیگر بشر به دین نیاز قطعی است و انسان ناآشنای تازه‌وارد به این عرصه حیات، بدون مذهب نمی‌تواند به حل و رفع مشکلات شخصی و اجتماعی خود توفیق یابد، مذهب نشان‌دهنده راه زندگی است و عامل اعتماد، ایمان و گام برداری به سوی سعادت است. دین‌داری و تربیت دینی دارای آثار و قواعد عظیمی در حیات فردی و اجتماعی است. دنیای امروز علی‌رغم پیشرفت‌هایی در زمینه ارتباطات - تکنولوژی توسعه علمی و اقتصادی در آن صورت گرفته است، نه تنها امنیت و آرامش روحی و روانی را به ارمغان نیاورده است، بلکه بر فشارهای روانی، روحی، ترس و احساس ناامنی و اضطراب بشریت نیز افزوده است. تربیت دینی و دین می‌تواند عامل کنترل اضطرابات، احساس ناامنی‌ها و وسیله‌ای برای ایجاد آرامش باشد؛ در عصر کنونی اصولاً در همه عصرها با شدت و ضعف متفاوت بسیاری از انحرافات و لغزش‌ها، شکست‌ها و نابودی ملت‌ها و غوطه در شدن انسان‌ها در منجلاب گناه و شهوات و غرایز نفسانی بوده است. در واقع تربیت دینی از بدو تولد آغاز می‌شود و در فرایند تربیت دینی بیش از هر چیزی بر عادت دادن تأکید می‌کنند (همان: ۴۷).

آنچه در تربیت دینی و شیوه‌های آن معمولاً بیشتر از هر چیز دیگر به ذهن تربیت‌کنندگان و مربیان خطور می‌کند این است که افزایش دانش و اطلاعات دینی دانش‌آموزان را مترادف و یا لازمه تربیت دینی افراد می‌دانند و عمده تلاش‌ها و حرکت‌هایی نیز در این زمینه از سوی نهادها و سازمان‌های مختلف برای تربیت دینی متربیان صورت گرفته است و عمدتاً حول محور افزایش اندوخته‌های دینی کودکان تأکید می‌شود با وجود تلاش‌ها و فعالیت‌های انجام گرفته نتایج مطلوب و دلخواه را نشان نمی‌دهد. در حالی که اشتباهات که امروزه از روی غفلت انجام می‌گیرد این است که مربیان می‌پندارند که شرط قطعی دین‌دار بودن و دینی شدن تراکم اطلاعات و اندوخته‌های حفظی و صوری دانش دینی است و درحالی‌که اگر آموزش دینی به همراه پرورش حس دینی نباشد، نه تنها کمکی به تقویت تمایلات نمی‌کند؛ بلکه مانعی برای تقویت تمایل دینی ایجاد می‌کند. معرفت دینی - حس دینی - و غیرت و علاقه دینی نه در آموزش درس دینی صرفاً با چشم و گوش افزایش اندوخته علمی انجام نمی‌گیرد، بلکه با چشم دل و زبان قلب به دست می‌آید. هنر یک مربی موفق در پرورش دینی در این است که حس کنجکاوی و حقیقت‌جوئی او را افزایش دهد و شوق و رغبت دینی را برانگیخته کند (یعقوبی ۱۳۹۲: ۳۴).

۳. نحوه انتقال مفاهیم دینی از دیگر طریق‌ها

انتقال اطلاعات دینی زنده شدن قوه متعهد در انسان است و بیدار شدن حقیقت دینی در کودک است. در تعلیم و تربیت اسلامی در امر هدایت دیگران اولین قدم هدایت خویش است، بدون تردید سنگ زیربنای شخصیت کودکان بنا به اعتقادات اسلامی ما قبل از تولد پدید می‌آید و مراقبت‌های بعد از تولد نظیر شیرخوارگی باید پاسخگوی جسمی و عاطفی کودکان باشد. شوق و علاقه کودک نسبت به اعمال و مراسم دینی و مجالس مذهبی از جمله اموری هستند که زمینه‌ساز تربیت دینی کودکان می‌باشند. (شریفی نیا ۱۳۸۷: ۷۳)

مدرسه بعد از خانواده دومین نقش را ایفا می‌کند و به‌عنوان فرایندی است که در آن تجارب آموزشی نگرش‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌ها شکل می‌گیرد. معلم در ساختن شخصیت کودکان نقش مهم و مؤثری دارد؛ مدرسه و خانواده اگر دارای اهداف اتخاذ شده برای تربیت دینی منطبق با هم باشد، عامل مؤثری برای رشد تربیت دینی کودکان خواهند بود؛ اما امروزه در مدارس بیشتر از هر چیز دیگری توجه به برنامه‌های آموزشی دروس و گرفتن امتحان و اعلام نتایج مورد توجه است؛ در صورتی که مدرسه باید برنامه‌های جامعی برای رشد تربیت دینی-علمی-اخلاقی-عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان برای تحقق اهداف تربیتی به‌کار گیرد. وسایل ارتباط جمعی رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و نشریات می‌تواند طرز تفکر، رفتار و عمل کودکان مؤثر باشند و برای آموزش ارزش‌های دینی می‌توان در راستای تربیت دینی کودکان در خانواده و مدرسه استفاده نمود. اگر یک جامعه مذهبی می‌خواهد افراد با تربیت سالم دینی داشته باشد، باید ارزش‌های مذهبی در جامعه و نظام حقوقی و قوانین از آن برگرفته شود و میان آنها ناهماهنگی وجود نداشته باشد؛ زیرا باعث عدم تعادل اجتماعی خواهد شد و مردم را تحت تأثیر قرار خواهد داد. شرط اساسی موفقیت تربیت مذهبی افراد همخوانی میان نهادهای مختلف موجود در جامعه از لحاظ دینی وجود داشته باشد و تربیت مطمئن‌ترین راه برای حل معضلات اخلاقی-اجتماعی-سیاسی-فرهنگی و مبارزه با تهاجم فرهنگی است (رضایی، ۱۳۸۹: ۹۱).

۴. تأثیر والدین در ژنتیک و بعد از تولد

الف. همسر صالحه و شایسته: اسلام به عنوان دین کامل و جامع نقطه‌ی آغازین تربیت را قبل از ازدواج می‌داند، لذا به عنوان اولین گام شرایطی را برای انتخاب همسر شایسته که زمینه‌ساز تربیت صحیح فرزندان به شمار می‌رود، لازم دانسته است و بهترین توشه‌ی دنیا را همسر صالح و نیکوکار معرفی می‌کند. رسول گرامی اسلام (ص) در بیان شرایط همسر شایسته می‌فرماید: ازدواج کن ولی بر تو باد که با زن دین‌دار و با ایمان ازدواج کنی. حضرت امام خمینی (ره) در مورد نقش مادر در سرنوشت فرزند می‌فرماید: دامن مادر بزرگ‌ترین مدرسه‌ای است که بچه در آن تربیت می‌شود. آنچه بچه از مادر می‌شنود، غیر از چیزی است که از معلم می‌شنود، بچه از مادر بهتر می‌شنود تا معلم، در دامان مادر بهتر تربیت می‌شود تا در جوار پدر یا معلم خود.

ب. غذای حلال: از نکته‌های مهم و کاربردی تعالیم اسلامی در تربیت دینی فرزند، لقمه‌ی حلال والدین است. امام صادق (ع) فرمودند: آثار کسب حلال در نسل انسان آشکار می‌شود، تأثیر مال حرام تا حدی است که موجب عدم قبولی اعمال عبادی انسان می‌شود؛ لذا نان‌آور خانواده باید توجه داشته باشد و آن را از عوامل مهم سعادت یا شقاوت خود و خانواده‌ی خویش تلقی کند. بعد از تولد، نقش تربیتی والدین و سایر اعضای خانواده تعیین‌کننده و پررنگ‌تر می‌شود. دستورات ژرف و ارزشمند اسلام در این دوره که از ابتدای تولد آغاز می‌شود، تأثیرات فراوانی را در تربیت فرزند می‌گذارد.

ج. دوران طفولیت: اولین دستورالعمل بعد از تولد فرزند اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد است. در روایتی حضرت رسول اکرم (ص) به حضرت امیرالمؤمنین فرمودند: ای علی! وقتی صاحب فرزند دختر یا پسر شدی در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه بگو، به درستی که هرگز شیطان نمی‌تواند به او ضرر برساند. طبیعی است که اولین کلماتی که گوش نوزاد را متوجه خود می‌کند، اگر اسمای مبارک، خداوند و شهادتین باشد، تأثیر عمیقی بر روح کودک گذاشته و دل‌وجان او را چون آینه شفاف می‌نماید (سادات ۱۳۶۵: ۱۲۳).

د. دوران کودکی؛ یکی دیگر از مراحل نقش‌آفرین در امر تربیت دینی فرزندان است. آشنایی صحیح والدین با دین، پاسخگویی درست و عمل آنان به دستورات شرعی و دینی از عوامل نقش‌آفرین در تربیت دینی فرزندان است و از آنجاکه والدین در این مرحله به‌عنوان بهترین الگو برای فرزندان هستند؛ هر نوع ناهمگونی بین رفتار و گفتار آنان نتیجه‌ی منفی در پی خواهد داشت. غزالی می‌گوید: بدان که کودک امانتی است در دست پدر و مادر و دل‌پاک وی چون گوهری نفیس از هر نقشی خالی است و چون موم نقش‌پذیر است؛ مانند زمین پاک که هر تخمی که در وی افکنی، بروید اگر تخم خیر افکنی به سعادت دنیا و دین شریک باشد و اگر بر خلاف این باشد، بدبخت شود و ایشان در هر چه بر وی رود شریک باشند (طهماسبی ۱۳۹۳: ۶۳-۶۱).

۵. جایگاه مادر در تربیت و تأثیر ایشان

با توجه به تجربیات جوامع دیگر که زمانی تصور می‌کردند که اگر تنها به آموزش علوم و فنون بپردازند به سعادت موعود دست خواهند یافت و به تربیت اخلاقی توجهی نمی‌کردند یا آن را در حاشیه کار خود قرار می‌دادند، اکنون تردیدی باقی نمانده است که یکی از ارکان سعادت یک جامعه را تربیت اخلاقی تشکیل می‌دهد؛ از این‌رو خانواده‌ها نباید پرورش اخلاقی کودکان و نوجوانان خود را آسان بگیرند. گاهی دیده می‌شود که برخی از پدران و مادران تمام توجه خود را به مسائل تحصیلی فرزندشان مصروف می‌دارند و تربیت اخلاقی و معنوی آنها را چندان جدی نمی‌گیرند؛ حال‌آنکه هدف از تربیت فرزند تنها این نیست که او را فردی متخصص دریکی از رشته‌های علمی و یا فنی تربیت کنیم، چنین فردی ممکن است که یکی متخصص خوبی باشد، اما معلوم نیست که آیا او یک انسان واقعی نیز خواهد بود یا نه؟ انسانیت ما درگرو پیروی از ارزش‌های اخلاقی است و تنها در این صورت است که می‌توان به نتیجه کار تربیت خوش بین بود. خانواده‌هایی که برای پرورش اخلاقی و معنوی فرزندان خود ارزش‌چندانی قائل نمی‌شوند، درواقع از اساسی‌ترین وظیفه خود نسبت به فرزندانشان غفلت می‌کنند. بهترین شیوه در تربیت اخلاقی روش الگویی است؛ یعنی پدر و مادر با رفتار و کردار خود فرزندان خود را عملاً باخلاق پسنندیده آشنا سازند و بذر ارزش‌های اخلاقی را در وجودشان کاشته و پرورش دهند. امام خمینی، حضرت زهرا (س) را به‌عنوان اسوه

بزرگ بشریت معرفی می‌کنند. این خانه کوچک فاطمه و این افرادی که در آن خانه تربیت شدند که به حسب عدد، چهار و پنج نفر بودند و به حسب واقع تمام قدرت حق تعالی را تجلی دادند، خدمت‌هایی کردند که ما را و شما را و همه بشر را به اعجاب در آورده است. از نیازهای اساسی روح و روان آدمی همانندسازی است، به این مفهوم که کودک ابتدا در محیط خانوادگی خود به کاوش می‌پردازد تا کسی را بیابد که او کامل‌تر و نیرومندتر است و چون از نقص‌ها و توانایی‌های خود رنج می‌برد، گم‌شده خود را در بزرگ‌ترها می‌یابد که در جاتی از او قوی‌تر و کارآمدتر هستند و خود را با آنها از حیثیت رفتار، مناسبات شیوه زندگی همانند می‌سازد و در حدود انطباق کامل برمی‌آید (ری‌شهری ۱۴۱۶: ۵۱)

کودک بیش از هرکس با مادر تماس دارد، مفاهیم مذهبی و اخلاقی را از او می‌گیرد، در رفتار او را نمونه و شاهد خود قرار می‌دهد، بر این اساس پرورش مذهبی و اخلاقی از وظایف اولیه اوست، این امر به‌ویژه باید در سال‌های اول زندگی پایه‌گذاری شود، به هنگامی که طفل هنوز خردسال است. کلمه توحید را بر زبانش جاری سازد و گوش او را با کلمات مذهبی آشنا سازد. در چنین صورتی است که این خاطره‌ها فراموش نمی‌شوند و برای همیشه جاویدان می‌ماند. پیش از آنکه دیگران ذهن کودک را مغشوش و آلوده نمایند، مادر باید خود را سرگرم او کند و مفاهیم و خوب و بد را در ذهنش استوار و ریشه‌دار سازد؛ بذره‌های اعتقادی را در دل او بپاشد و خوی‌ها و رفتارهای او را بر اساس سنت الهی جهت دهد. رفتار آرام و تدریجی مادر، بهترین ضامن تعادل عاطفی و اخلاقی کودک است و طفل به تدریج با اصول و ضوابط اخلاقی آشنا می‌شود. مادر را در این کار حوصله و صبر کافی لازم است. از اعمال و شیوه‌های پرخاش جویانه باید خودداری کند و زمینه را برای همدلی و تحریک او با انجام رفتار مناسب فراهم نماید. مادر نباید احساسات کودک را جریحه‌دار کند، نباید او را برنجانند، مسخره‌اش کند و... زیرا این عوامل بدآموزی در تربیت به حساب می‌آید و برای آینده کودک لطماتی را موجب می‌شود. (کاردان ۱۳۷۲: ۱۵۶).

طفل در طول مدت چند سال کودکی که دائماً در خانه است از نگاه کردن، شنیدن، لمس کردن، گرفتن اشیاء به کار بردن آن، نشستن و ایستادن، راه رفتن و حرف زدن راه و رسم زندگی را یاد می‌گیرد، ولی آنچه در کودک مؤثر است؛ اغلب از راه مشاهده رفتار و نحوه زندگی کردن مادر و مشاهده طرز انجام مسئولیت

او امکان‌پذیر است. در واقع مادر همیشه از راه زبان نمی‌آموزد، بلکه گاهی از راه تجسم زندگی در برابر دیدگان کودک به او چیز یاد می‌دهد. روش مادر است که او را به زبان می‌آورد، به راه رفتن او می‌دارد، آداب زندگی می‌آموزد، رعایت قانون و احترام یاد می‌دهد زمینه را برای احترام به انسانیت فراهم می‌سازد، کنترل امیال را به او می‌آموزد، اعتماد به نفس را در او ایجاد می‌کند. مادری که دائماً از بخت و اقبال خود شکایت می‌کند. معمولاً آثار نامیمونی در کودک بر جای می‌گذارد (فرهادیان ۱۳۷۶: ۱۳۹).

چه بسیارند مادران نادان که فرزندان خود را از دوران کودکی به آداب زشت و رفتار بد پرورش دادند و آنان را برای تمام عمر دچار بدبختی و تیره‌روزی نمودند. کار مادر مانند نقاشی نیست که زیبایی‌ها را روی پرده نمایان می‌سازد و به کار پیکرتراشی هم که مرمر را حجاری می‌کند شباهت ندارد؛ او مانند نویسنده‌ای نیست که اندیشه‌های منزه خود را در قالب الفاظ بریزد، بلکه او وظیفه‌مند است که با کمک یزدان در یک روان انسانی جلوه‌ای از الهیت را نمودار سازد. در این گفتار جمله با کمک یزدان نکته‌ای برجسته و پراهمیت است، زیرا مادر در لحظاتی احساس ناتوانی می‌کند که اغلب نیازمند می‌شود که به قدرت بالاتر و عالی‌تر از نیروی خویش اتکا کند.

طفل از راه مشاهده وضع بیرونی مادر و پدر تربیت می‌یابد، اگر راه و روش آنها به‌ویژه مادر عمق نداشته باشد و آنچه را که می‌بیند، دلش باور نکند، تربیت نمی‌پذیرد. مادر برای طفل باید فردی قابل اعتماد باشد و تعریف‌ها و تحسین‌های کودک باید از این اعتماد منشأ گیرد. پدر یا مادری که دائماً به اندرزگویی می‌پردازند، ولی خود در جهل و خودپرستی به‌صرف کردن بیهوده سرگرم‌اند کودک را نه‌تنها از خود، بلکه از هر چه نام عنوان پند و موعظه دارد، متنفر می‌سازند. از مسائل مهم در تربیت ایجاد عادات اخلاقی است. اخلاقی که دارای ضوابط اندیشیده شده و ارادی باشد. شک نیست که اخلاق مبتنی بر عادات نیندیشیده شده، به‌مراتب بدتر از بد اخلاقی است؛ بنابراین در ایجاد عادات باید بسیار محتاط بود. مادر باید از طریق تمرین و تشویق میل به پذیرش دائمی جنبه‌های اصولی اخلاقی را به وجود آورد و این نیازمند به تحریک مداوم است (رضایی، ۱۳۹۱: ۷۵-۷۸).

۶. رابطه عاطفی فرزند با والدین و تأثیر آن

از آنجایی که کودک تا مدت‌ها به اطرافیان و به‌ویژه به پدر و مادر وابستگی کامل دارد و به همین دلیل شدیداً نیازمند امنیت عاطفی است که در ماه‌های اول، مادر تنها پناهگاه برای به دست آوردن این امنیت است. با افزایش سن، راه‌های ارتباط عاطفی دیگری با افراد مختلف برای کودک گشوده می‌شود. پدر، پدربزرگ، مادربزرگ، خواهر و برادر و اطرافیان وی، که در درجات بعدی قرار دارند، هر یک به سهم خود در رشد و تکامل عاطفی وی مؤثرند. ایجاد صمیمیت و رابطه محبت‌آمیز باعث می‌شود که فرزندان از والدین و درخواست‌های آنان پیروی کنند؛ زیرا می‌ترسند که در غیر این صورت عشق و علاقه آنان را از دست بدهند؛ بنابراین با استفاده از علائق خانوادگی، اعلام جهت، نشان دادن رحمت و عنایت، تحریک عواطف و گاهی نیز استفاده توأمان از مهر و قهر می‌تواند بسیار مفید باشد؛ به‌عنوان نمونه پیامبر اکرم می‌فرماید:

فرزندت را کتک نزن، بلکه با وی قهر کن، ولی مدت قهر را طولانی نکن (مجلسی ۱۳۸۵، ۲۳: ۱۱۴). از نظر متخصصان تعلیم و تربیت و روان‌شناسان تربیتی یکی از راه‌های رشد عاطفی کودک توسط بزرگسالان مشارکت در بازی‌های آنان است. پیشوایان گرامی اسلام به این امر توجه زیادی داشته و در این باره توصیه‌های زیادی فرموده‌اند؛ مثلاً رسول اکرم (ص) می‌فرماید: آن‌کس که کودکی نزد اوست، باید در پرورش وی، رفتاری مناسب با حال کودک را در پیش بگیرد. (شیخ حر عاملی ۱۴۰۱، ۵: ۱۲۶) و باز در جای دیگر می‌فرماید: رحمت خداوند بر پدری که در راه نیکی و نیکوکاری به فرزند خود کمک کند؛ یعنی به او احسان کند و همچون کودکی، رفیق دوران کودکی وی باشد او را عالم و مؤدب بار بیاورد. (ری شهری ۱۴۱۶: ۵۶). باز می‌فرماید: کسی که دختر خود را شادمان کند، همچون کسی است که بنده‌ای را از فرزندان اسماعیل آزاد کرده باشد و آن‌کس که پسر خود را مسرور و دیده او را روشن سازد، مانند کسی است که دیده‌اش از خوف خدا گریسته باشد (طبرسی ۱۳۶۵: ۱۱۴).

جمع‌بندی

خانواده‌ها در زمینه تعلیم و تربیت نقش ارزنده‌ای دارند. از آنجاکه دوره جوانی بسیار مهم و باارزش است و آینده کشور در اختیار جوانان است، باید در تربیت جوانان بسیار کوشید و با دقت و درایت و برنامه‌ریزی از فساد و تباهی آنان جلوگیری کرد و خانواده‌ها در این میان، نقشی حساس و فراگیر دارند. در گذشته

حکومت‌های طاغوتی و فرعون‌ی، جوانان پسر را به قتل می‌رساندند و دختران را آزاد می‌گذاشتند. این کار به دو علت بود: یکی اینکه از خطر قیام و شورش آنها در امان بمانند و دیگر اینکه تعادل جنس دختر و پسر را برهم بزنند تا جامعه به سوی فساد و فحشا کشیده شود. در عصر حاضر در کشورهای غربی و کشورهای که به تعالیم دینی و اخلاقی اهمیت نمی‌دهند، بسیاری از نابهنجاری‌ها و کنجروی‌های اجتماعی به وسیله جوانان انجام می‌شود؛ مانند قتل، خودکشی، اعتیاد، سرقت، تجاوز و فحشا و... و برای کاهش آنها هر ساله سرمایه‌های کلانی صرف می‌شود که نتیجه زیادی در بر ندارد و روز به روز دامنه آنها گسترش می‌یابد؛ ولی اگر در این باره به نقش دین در جامعه اهمیت دهند و جوانان تربیت دینی شوند، هم میزان جرائم کاهش می‌یابد، هم جامعه امن و سالم می‌شود و هم به این همه پلیس و زندان و مراکز قضایی نیازی نیست؛ بنابراین پرورش استعداد دینی جوانان بسیار با اهمیت و اساسی است و نباید از آن غافل شد و در این راستا به سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی نیاز است تا نسلی با ایمان، سالم، وظیفه‌شناس، درستکار، امین، فداکار، شجاع و هدف‌دار داشته باشیم تا ان‌شاءالله جامعه‌ای اسلامی و ایده‌آل به وجود آید؛ از همین رو زن در اسلام جایگاه والایی دارد که آیات و روایات متعددی این ادعا را اثبات کرده‌اند؛ ولی برخی از زنان متأسفانه مقام خود را پایین گرفته و به آن اهمیتی نمی‌دهند و به جای اینکه به وظیفه مادری بپردازند خود را مشغول مسائل بیهوده می‌کنند؛ در صورتی که خداوند فرزند را امانت خویش می‌داند و زن مؤظف است به عنوان یک مادر خیانت در این امانت نکرده و آن را به نحو احسن همان‌گونه که خداوند از او می‌خواهد، تربیت کند. برای اینکه این هدف محقق شود باید مراقبت از نفس صورت بگیرد که نیازمند پرهیز از گناه و پلیدی است. کوچک‌ترین اعمال مادر در تربیت فرزندش چه قبل از بارداری، چه در حین بارداری و چه بعد از تولد فرزند در او اثر بسزایی دارد و همین امر موجب شده که امام (ره) می‌گوید: زن مربی انسان است؛ و این گفته که از دامن زن مرد به معراج می‌رود الحق و الانصاف به جاست؛

اما متأسفانه برخی مادران تنها به رشد جسمی کودک اهمیت می‌دهند و برای رشد روحی و روانی فرزندشان نه تلاشی می‌کنند و نه به دنبال جمع‌آوری و کسب اطلاعات در این باره هستند، در واقع علم مادران و شاید گفته شود جامعه نسبت به اهمیت این مطلب بسیار اندک است، در صورتی که منابع علمی بسیاری وجود دارد که به مادران ناآگاه این سرزمین کمک می‌کند تا پاسخ پرسش‌های خود را پیدا کرده اعمال کنند؛ و اگر این جریان ناآگاهی به همین صورت ادامه پیدا کند، به جز برخی مادران مسئولیت‌پذیر، سایر آنها فرزندانی خواهند داشت که نه تنها نفعی برای جامعه خویش ندارند، چه بسا مضر نیز واقع شوند.

در صورتی که جامعه به افرادی نیاز دارد که بتواند از آنها جهت رشد و ارتقاء فرهنگی و معنوی خود استفاده کرده و به آنها از این بابت افتخار کند. خداوند متعال انسان را به گونه‌ای خلق کرده که تأثیرپذیری بسیاری در دوران کودکی دارد و بهترین زمان برای تربیت فرزند دوران کودکی است و در انجام این مهم نباید تأخیر و تردید در دل راه داد. کودک در اکثر حالات از مادر خود الگو گیری می‌کند. در نتیجه وظیفه مادر این است که اولاً تربیت فرزند را مهم و ضروری بداند، ثانیاً برای تحقق آن بکوشد و ثالثاً از روش‌های تربیتی آگاهی داشته و به آنها به‌طور دقیق عمل کند.

منابع

- شریفی‌نیا، محمدحسین، ۱۳۸۷، «بررسی اثربخشی درمان یکپارچه توحیدی در کاهش بزهکاری زندانیان»، دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال اول، شماره دوم.
- پارسا مهر، مهربان، ۱۳۹۰، «بررسی رابطه دین‌داری والدین با خشونت فرزندان پسر دبیرستانی شهر یزد»، مجله روان‌شناسی و دین، سال چهارم، شماره اول.
- یعقوبی دوست، محمود، ۱۳۹۲، بررسی رابطه میزان دین‌داری والدین با خشونت آنان نسبت به فرزندان، مجله روان‌شناسی و دین، سال هفتم، شماره دوازدهم.
- رضایی، حسن، ۱۳۸۹، سایت آفتاب، مقاله تعلیم و تربیت.
- طهماسبی، سعید، ۱۳۹۳، کارشناس ارشد مرکز مشاوره، سایت قرچک آنلاین، نقش خانواده و اهمیت آن در تربیت دینی.
- رضایی، سمیرا، ۱۳۹۱، تأثیر مادر در تربیت دینی فرزند، قم: حوزه علمیه خواهران.
- کاردان، علی محمد، ۱۳۷۲، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات سمت.
- شاکری نیا، ایرج، ۱۳۷۹، «دین، نیاز دیروز، امروز و فردای انسان»، مقاله ارائه شده در همایش دین و دنیا از منظر امام علی (ع)، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۶۵، فرهنگ علوم رفتاری، تهران: انتشارات امیرکبیر.

پارسا، محمد، ۱۳۶۸، روان‌شناسی کودک و نوجوان، تهران: انتشارات بعثت.

ستوده، هدایت الله، ۱۳۷۹، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.

صیدی سامانی، همایون، ۱۳۸۹، تربیت دینی چیست، سایت مدرسه.